جام جم

ویژه فرهنگ - هنر
رسانه - جامعه

۵

شنبه ۲ مهر ۱۴۰۱ ۶۳۱۶

مناظره‌های جدی
داغ و پرتیتر در «شیوه»

مخاطب امروز به رسانه ملی امیدوار است

۷

در نشست تله‌تئاتر «کاتب اعظم» در «جام جم» بررسی شد

وفاداری به اعترافات یک کاتب کشته شده

۸

نگاهی به نمایشگاه «نقش راستان»
نقاشی‌های حسن روح‌الامین در کوشک هنر

شکوه عاشورا از دریچه هنر

به مناسبت اربعین حسینی و در راستای پاسداشت قیام عاشورا و نهضت سیدالشهدا(ع) نمایشگاه «نقش راستان» در گالری کوشک باغ هنر گشایش یافت.

۱۱

آیت‌ا... حسن عالمی
در گفت‌وگو با «جام جم»:

مبلغان دین نبوی «نرم‌گو» باشند

۱۰

گفت‌وگوی «جام جم» با مهران مهام
تهیه‌کننده سریال جدید شبکه ۳

«بی‌همگان» به سر شود

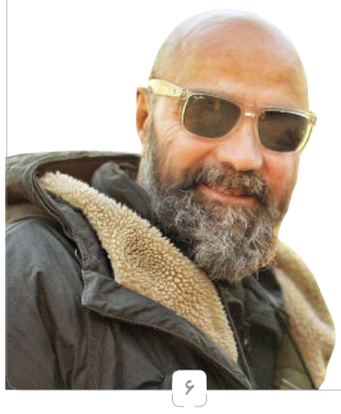

۶

گزارش

شهیدان را شهیدان می‌شناسند

مرور تاثیرات مضمونی و محتوایی دفاع مقدس بر شعر

آرش شفاعی
دبیرگروه فرهنگ و هنر

می‌گویند ادبیات به عنوان یکی از جلوه‌های مهم زندگی اجتماعی مانند دیگر هنرها، تحت تاثیر رویدادهای مهم و بزرگ اجتماعی و سیاسی است. در تاریخ ادبیات جهان و البته ادبیات خودمان وقتی با دقت بررسی کنیم، می‌بینیم تحولات بزرگ زمانه باعث تغییرات جدی و بنیادی در ادبیات شده است. در تاریخ ایران، رویدادهای بزرگی مانند اشغال کشور به دست مهاجمان خارجی یا انقلاب مشروطیت باعث شده ادبیات هم تغییرات ماهوی و بزرگی پیدا کند. بحران هویت ملی ایرانیان بعد از فتح ایران و تسلط یافتن خلفای اموی و عباسی بر این سرزمین باعث شد نهضت شعوبیه و بعد حرکت‌های هویت‌طلبانه‌ای در حوزه ادبیات، تاریخ و زبان روی دهد و حماسه‌سرای بزرگ توس، فردوسی حکیم یک‌تنه و با شکوهمندی بار را بر دوش بکشد و با به نظم‌کشیدن اسطوره‌ها و حماسه‌های ملی، تاریخ و زبان ما را از رکود و فراموشی در دل تاریخ نجات دهد. در دوران مشروطه، قیام مردم در برابر استبداد داخلی و شاهان بی‌لیاقت، باعث شد نگاه ایرانیان به ادبیات به عنوان وسیله‌ای برای تخدیر، سرگرمی و بازی‌های لفظی یا ابزار دست خانقاه‌ها و فرقه‌های صوفیانه تغییر کند و به عاملی برای آگاهی‌بخشی، رشد و آزادیخواهی تبدیل شود.

انقلاب اسلامی ایران به عنوان فراز مهمی در تاریخ معاصر کشور زمانی روی داد که شعر به‌عنوان جلوه‌ای مهم و موثر در زندگی انسان ایرانی به ورطه بازی‌های زبانی، تقلید از سبک‌های شعری اروپایی و آمریکایی و تقلید از نظریه هنر برای هنر افتاد. در برابر این دیدگاه، مارکسیست‌ها و چپگرایانی قرار داشتند که با ادعای بیداری خلق، شعر را از هر معنویت و معنایی خالی کرده بودند. در این دوران، شاعران جوانی که دل در گرو انقلاب و خیزش عمومی و راه امام (ره) داشتند، به صورت جدی در عرصه شعر وارد شدند و نخستین تشکل شاعران انقلابی در آن زمان در حوزه اندیشه و هنر اسلامی شکل گرفت.

شیپور جنگ که نواخته شد، همه چیز در کشور دگرگون شد. گروه‌های مختلف اجتماعی با درک وضعیت کشور، جنگ را به اولویت نخست خود تبدیل کردند. در این زمانه بود که شاعران نیز وارد صحنه شدند. دستورالعمل و بخشنامه‌ای در کار نبود. کسی به آنان سفارش کار نداده بود. همه چیز از درونشان برمی‌خاست. شاعران تصمیم گرفته بودند مانند همه اقشار مردم بخشی از ماجرای جنگ را به دست بگیرند. در این زمانه بود که شاعران دیگر به کلمات به شکل ابزاری برای سرگرم‌کردن دیگران، بازی‌های زبانی و مانند آن نمی‌نگریستند. کلمه برای شاعر در دوران نخست جنگ و جهاد به مثابه گلوله بود. شاعر که گاه خود در خط مقدم جبهه در برابر دشمن می‌ایستاد، از هنر و توانمندی خود بهره می‌برد تا در برابر دشمن بایستد. شعر به وسیله‌ای برای تهییج رزمندگان بدل شده بود. این شعرها سعی می‌کردند خطر تعلل در برابر دشمن را به مردم یادآوری کنند و به آنان هشدار دهند که اگر در برابر متجاوز نایستند، ممکن است همه چیز خود، مال و جان و ناموس و وطن را از دست‌رفته ببینند. این شعرها خیلی زود مورد توجه نوحه‌خوانان و کسانی قرار گرفت که در میان رزمندگان حضور می‌یافتند و با خواندن شعر و نوحه سعی می‌کردند روحیه حماسی و مذهبی رزمندگان را بالا ببرند. ارتباط میان این گروه‌های تبلیغی و شاعران جوان دوستدار انقلاب به‌سرعت و به‌زودی برقرار شد و شاعران به مرجع گروه‌های تبلیغی جبهه‌ها تبدیل شدند. شعرهای شاعرانی مانند سیدحسن حسینی در فاصله‌ای کوتاه از سروده‌شدن، در میان رزمندگان محبوب و به زبان حال آنان تبدیل شد:

می‌روم مادر که اینک کربلا می‌خوانَدَم
از دیار دور یار آشنا می‌خوانَدَم
مهلت چون و چرایی نیست مادر، الوداع!
زان که آن جانانه بی چون و چرا می‌خواندم...

چنان‌که گفتیم، تهییج مردم و جوانان به حضور در جبهه، به اولین مضمون شعر شاعران دفاع‌مقدس تبدیل شد ولی این تنها مضمونی نبود که در شعر آنان رواج داشت. مضمون‌های پرتکرار دیگری در شعر دفاع‌مقدس قابل ردیابی است؛ از جمله تمجید و ستایش نقش فرماندهی و رهبری امام خمینی(ره) و تاکید بر حفظ حرمت و پاسداشت راه شهدا:

مبادا خویشتن را واگذاریم/ امام خویش را تنها گذاریم/ ز خون هر شهیدی لاله‌ای رست/ مبادا روی لاله پا گذاریم

■ قیصر امین پور

یا:

خوشا آنان که جانان می‌شناسند
طریق عشق و ایمان می‌شناسند
بسی گفتیم و گفتند از شهیدان
شهیدان را شهیدان می‌شناسند

■ علیرضا قزوه

مضمون دیگر و پرتکرار دیگری که در شعر دفاع‌مقدس قابل ارزیابی است، تلفیقی میان حادثه عاشورا و وقایع دفاع‌مقدس و تسری‌دادن حوادث محرم سال ۶۱ هجری به وقایع زمانه و یادآوری مظلومیت رزمندگان اسلام مانند یاران امام حسین(ع) است.

اما تغییراتی که به سبب دفاع‌مقدس در شعر ایران به وجود آمد، در حوزه مضمونی خلاصه نمی‌شود. شعر مانند هر هنری از امتزاج و گره‌خوردگی عناصر فرمی و شکلی با عناصر مضمونی و محتوایی زاده می‌شود. تغییرات مضمونی در دل تغییرات فرمی است که بروز و ظهور می‌یابد. شعر انقلاب با تغییر در قالب‌ها پا به عرصه وجود گذاشت. قالب غالب شعر در دوران پیش از انقلاب به قالب‌های نو مانند شعر نیمایی و سپید تغییر یافته بود اما انقلاب اسلامی که بر بستر ایده بازگشت به سنت‌های ایرانی و اسلامی و تفکر بازگشت به خویشتن به‌وجود آمده بود، برای بازگویی خود در عرصه شعر، بازگشت به قالب‌های سنتی را مناسب دید. به این ترتیب شاهد بودیم در سال‌های نخست انقلاب، حجمی انبوه از غزل و مثنوی عرضه شد. در عرصه مثنوی، شاعری چون علی معلم دامغانی توانست آثاری عرضه کند که مورد توجه نسل انقلابی قرار گرفت اما شعر دفاع مقدس با بازآفرینی قالبی جدید همراه شد. قالب رباعی که تا پیش از این تنها برای مضمون‌های فلسفی و عرفانی مورد استفاده قرار می‌گرفت، ناگهان دیگرباره زنده شد و به عرصه آمد و گروهی از شاعران جوان آن زمانه چون قیصر امین‌پور، سیدحسن حسینی، سهیل محمودی، محمدرضا محمدی‌نیکو، محمدرضا سهرابی‌نژاد، وحید امیری و... توانستند این قالب را از مهجوریت خارج کنند. شعر تهییجی اول انقلاب به قالبی نیاز داشت که بتواند در کوتاه‌ترین زمان پیام خود را به مخاطب برساند، او را تحت تاثیر قرار دهد و ضربه حسی و عاطفی‌اش را به مخاطبانش منتقل کند و رباعی همه این ویژگی‌ها را داشت به همین دلیل در سال‌های نخست جنگ شاهد احیای این قالب بود. با فروکش‌کردن آتش جنگ، رباعی به دلیل از دست‌دادن کارکرد خود و نیز به دلیل افراط در استفاده از تکنیک‌های کشف‌شده شاعران و تبدیل‌شدن به فرمولی در دسترس همگان از رونق افتاد. بعد از آن بود که شعر اعتراض به عنوان مرحله‌ای دیگر از شعر دفاع‌مقدس به عرصه آمد و مثنوی‌های بلند و پرشور دهه ۷۰ قالب غالب روزگار شد.

۴ چهره ویژه شعر دفاع مقدس

سیدحسن حسینی هم در زمینه شعر دفاع‌مقدس و هم در زمینه پژوهش در این عرصه چهره ویژه‌ای است. او که از متقدمان و پیشقراولان شعر دفاع‌مقدس است و در قالب‌های مختلفی همچون رباعی، غزل، مثنوی و شعر نیمایی در ابتدای جنگ و نیز در طول دوران دفاع مقدس، شعرهای زیادی سرود در دوران ادبیات تشجیعی و حماسی جنگ، چهره بسیار ویژه‌ای بود. در دوران بعد از جنگ هم او در حوزه شعر اعتراضی چهره ویژه‌ای بود و شعر بلند «آب‌ها و مرداب‌ها»ی او که در قالب مثنوی سروده شد، یکی از جنجالی‌ترین و پربحث‌ترین شعرهای اعتراضی دوران بعد از جنگ بود. حسینی که وجهه‌ای پژوهشی نیز داشت، در سال‌های بعد از دفاع مقدس، کتاب «گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس» را منتشر کرد و در آن با طنز و نیش قلم مخصوص به خود، با برخی شاعران تسویه‌حساب‌های تند و تیزی هم کرد! به هر روی هیچ گزیده و منتخبی از شعر دفاع‌مقدس بدون نام و چندین شعر از او نمی‌تواند منتشر شود.

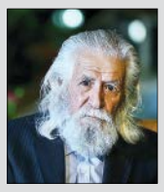

حمید سبزواری از شاعرانی بود که زبانی متقدم داشت و به شدت کلاسیک بود. قصیده‌سرا بود و به همین دلیل شعرهای بلند و جدی او کمتر مورد توجه نسل جوان واقع می‌شد اما او در عرصه‌ای دیگر به شدت تاثیرگذار بود؛ سرودن شعر برای سرود. بخشی از مهم‌ترین و پرخاطره‌ترین سرودهایی که در دوران انقلاب و بعدتر در زمان جنگ تحمیلی ساخته شد و به زبان مردم راه یافت، سروده اوست. سبزواری در سرود، همان نگاه و زبان کلاسیک را حفظ کرده است و به همین دلیل سرودهایش اگرچه زبانی سخت و پخته دارد، با موسیقی همنشینی خوبی پیدا کرده است. او در ایجاد این ترکیب و توجه به پسند مخاطبان دقتی ویژه داشت و به همین دلیل سروده‌هایش، همگی سرودهای موفقی هم شد.

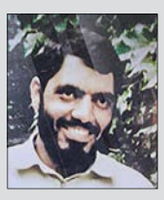

احمد زارعی شاید از نظر تاثیرگذاری شعرش در رده شاعران درجه اول نباشد اما از نظر ایجاد ساختاری برای زنده‌ماندن و پویایی شعر دفاع مقدس، چهره ویژه‌ای بود. زارعی که خود شاعری دارای زبان و نگاهی ویژه بود، به واسطه تجربیات نظامی و مدیریتی‌اش و نیز شخصیت فرهمندی که داشت، توانست در اوج دوران جنگ و بمباران شهرها، بنیاد کنگره‌های شعر دفاع‌مقدس را پی‌ریزی کند. این کنگره‌ها که تا سال‌ها بعد از شهادت وی نیز ادامه یافت، توانست در انتقال تجربه و معرفی نسل جدیدی از شاعران دفاع‌مقدس بسیار موثر باشد. افسوس که این میراث ارجمند، در سال‌های اخیر از نفس افتاده و به صورتی برگزار می‌شود که دیگر با برگزار نشدن، تفاوت چندانی ندارد.

علیرضا قزوه در دوران دفاع‌مقدس شاعری بود که شعرهایش منتشر می‌شد و گاه بسیار هم مورد توجه واقع می‌شد، اما نقطه اوج کار او بعد از پایان جنگ بود. او به عنوان شاعری که از دل خطوط مقدم رزم برآمده بود، توانست شعر اعتراضی را به عنوان یک ژانر جدی مطرح کند. سروده‌هایش در آن دوران به‌خصوص «مولا ویلا نداشت» جریانی را در شعر ایجاد کرد که اثرات آن تا سال‌ها بعد در شعر ایران مشخص بود و او این جریان را در شعرها و مجموعه‌های بعدی‌اش همچنان پرخون و زنده ادامه داد.